پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی ، دوره ۲، شماره ۴، سال ۱۴۰۳، صفحات ۲۷ تا ۴۶

پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی

A Semantic Analysis of the Word ‘Sin’ in the Quran Based on Izutsu's Semantics

Seyyed Aboalfazl Sajadi[a*], Mahmood Shahbazi[b], Mohammad Shirinabadi Frahani

[a]Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Languages, Arak University, Arak, Iran, Email: a-sajady@araku.ac.ir

[b] Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Languages, Arak University, Arak, Iran, Email: m-shahbazi@araku.ac.ir

[c] Master's Degree, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Languages, Arak University, Arak, Iran, Email: m-shirinabai@araku.ac.ir

KEYWORDS

Quran,
sin,
linguistics,
semantics,
Izutsu.

ABSTRACT

Izutsu's semantic theory distinguishes between basic and relational meanings. The basic meaning refers to the intrinsic meaning of a word, independent of context. The relational meaning, on the other hand, is the meaning a word acquires when placed within the lexical system of a text. Izutsu's method for identifying word meanings within a text involves paying attention to context, paradigmatic and syntagmatic relationships, semantic opposition, and semantic fields. This descriptive-analytical study examines the basic meanings of words related to sin. The findings indicate that these words did not originally signify sin in their basic sense; rather, they were included in the semantic field of sin because each word initially described an aspect of sin. An examination of pre-Islamic usage reveals that "الإثم" (al-ithm) referred to sin in various instances, "الجرم" (al-jurm) eferred to the severity of sin, "الجناح" (al-junah) did not generally mean sin, "الخطيئة" (al-khati’ah) referred to mistakes, "الذنب" (al-dhanb) referred to the consequence of sin, and "السَّيِّئَةُ" (as-sayi'ah) to ugliness and evil. Analyzing the relational meanings of sin-related words in the Quran based on Izutsu's principles shows that "الإثم" (al-ithm) refers to deliberate sins; "الجرم" (al-jurm), contrary to its legal usage, denotes internal and hidden sins; "الجناح" (al-junah) relates to sins connected to legal rules; "الخطيئة" (al-khati’ah) encompasses external, internal, minor, major, intentional, and accidental sins, and is forgivable; "الذنب" (al-dhanb) has a broad scope of application and generally signifies sin with serious consequences but is still forgivable; and "السَّيِّئَةُ" (as-sayi'ah) refers to external and internal, minor and major sins.

* نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۱۸۸۶۶۰۵۲۲

آدرس پست الکترونیک: a-sajady@araku.ac.ir

معنا شناسی واژه گناه در قرآن با تکیه بر معناشناسی ایزوتسو

سیدابوالفضل سجادی [الف*]، محمود شهبازی[ب]، محمد شیرین آبادی فراهانی

[الف] دانشیار، گروه زبان وادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل a-sajady@araku.ac.ir

[ب] دانشیار، گروه زبان وادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل m-shahbazi@araku.ac.ir

[ج] فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه زبان وادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل m-shirinabai@araku.ac.ir

واژگان کلیدی

قرآن، مفهوم گناه، زبان شناسی، معناشناسی، ایزوتسو.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

چکیده

ایزوتسو در معناشناسی از اصلی به نام معنای اساسی و نسبی نام می‌برد. معنای اساسی، معنای ذاتی کلمه و جدای از متن ا ست. معنای ن سبی، معنایی ا ست که واژه پس از قرار گرفتن در نظام واژگان یک متن به خود می‌گیرد. ایزوتسو در شناسایی معنای واژه در متن روشهایی دارد که از آن جمله، توجه به بافت، رابطهٔ همن شینی و جان شینی، تقابل معنایی وحوزه معنایی ا ست. پژوهش حا ضر به شکل تو صیفی تحلیلی معنای اساسی واژگان مربوط به گناه را بررسی می‌کند. نتایج تحقیق حاکیست این واژگان در معنای اساسی خود به معنای گناه نبوده‌اند و علت قرار گرفتن آنها در حوزه معنایی گناه، به دلیل این است که هر کدام در ابتدا برای یک جنبه از گناه به کار رفته‌اند. با بررسی کاربرد واژگان در دوره جاهلی مشخص شد که الإثم بر گناه با م صادیق متفاوت، الجرم بر شدت گناه، الجناح به طور کلی به معنای گناه نبوده، الخطیئهٔ بر ا شتباه، الذنب بر عقوبت گناه و السیئهٔ بر زشتی وبدی دلالت دارند. در بررسی معنای نسبی واژگان گناه در قرآن بر مبنای اصول ایزوتسو مشخص شد که الاثم در مورد گناهان عمدی و الجرم برخلاف کاربرد جزایی، برگناهان قلبی و باطنی، الجناح بر گناهان مربوط به احکام تشریعی، الخطیئهٔ در برگیرنده گناهان ظاهری، باطنی، کوچک، بزرگ، عمدی وغیرعمدی نیز قابل بخشش، الذنب دارای دایره اطلاق گسترده و بیشتر به معنای عمومی گناه با عواقب دامنگیر والبته قابل گذشت و السیئهٔ برگناهان ظاهری و باطنی، کوچک و بزرگ دلالت دارند.

المعنى الدلالي لكلمة "الذنب" في القرآن بالاعتماد على علم الدلالة عند إيزوتسو

سيدأبوالفضل سجادی [الف*]، محمود شهبازی [ب] ، محمد شيرين آبادی فراهانی

[الف] أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: a-sajady@araku.ac.ir

[ب] أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: m-shahbazi@araku.ac.ir

[ج] خريج ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، البريد الإلكتروني: m-shirinabai@araku.ac.ir

الكلمات المفتاحية:

القرآن، مفهوم الذنب، علم اللغة، علم الدلالة، إيزوتسو.

تاريخ الاستلام:
۱۴۰۳/۱۰/۰۸
تاريخ المراجعة:
۱۴۰۳/۱۰/۲۹
تاريخ القبول:
۱۴۰۳/۱۰/۲۹

الملخّص

يتحدث إيزوتسو في علم الدلالة عن مبدأ يسمى المعنى الأساسي والمعنى النسبي. فالمعنى الأساسي هو المعنى الذاتي للكلمة بغض النظر عن السياق، بينما المعنى النسبي هو المعنى الذي تكتسبه الكلمة عند وضعها داخل النظام اللغوي لنص معين. يعتمد إيزوتسو في تحديد معنى المفردة داخل النص على تحليل السياق، والعلاقة بين الكلمات من حيث التجاور والاستبدال، والتقابل الدلالي، والمجال الدلالي. تعتمد هذه الدراسة من خلال منهج وصفي-تحليلي، على تحليل المعنى الأساسي للمفردات المرتبطة بمفهوم الذنب في القرآن الكريم. وتشير نتائج البحث إلى أن هذه المفردات لم تكن تحمل في أصلها اللغوي معنى الذنب، وإنما تم إدراجها ضمن هذا المجال الدلالي؛ لأن كل مفردة كانت تعبر في البداية عن جانب معين من مفهوم الذنب. وبتحليل استخدام هذه المفردات في العصر الجاهلي، تبين أن: الإثم يشير إلى الذنب بمختلف أشكاله و الجرم يدل على شدة الذنب و الجناح لم يكن يحمل في الأصل معنى الذنب و الخطيئة تعني الخطأ و الذنب يشير إلى عاقبة الذنب و السيئة تدل على القبح والسوء. أما عند دراسة المعاني النسبية لهذه المفردات في القرآن الكريم وفقًا لمنهج إيزوتسو، فقد تبين أن: الإثم يستخدم للدلالة على الذنوب العمدية و الجرم بعكس معناه القانوني، يشير إلى الذنوب القلبية والباطنية، و الجناح يتعلق بالذنوب المرتبطة بالأحكام التشريعية، و الخطيئة تشمل الذنوب الظاهرة و الباطنة، الصغيرة و الكبيرة، العمدية وغير العمدية، كما أنها قد تكون قابلة للمغفرة. الذنب له نطاق دلالي واسع، و يشير غالبًا إلى الذنب بشكل عام، مع العواقب المترتبة عليه، ولكنه قد يكون قابلًا للغفران و السيئة تدل على الذنوب الظاهرة والباطنة، الصغيرة والكبيرة .

۱.طرح مساله:

زبان‌شناسی(linguistics) علمی است که آغاز آن در اواخر قرن نوزدهم است. امروزه زبان شناسی توسعه بسیاری یافته و مکاتب مختلفی از آن به وجود آمده است. اصطلاح زبان شناسی در زبان عربی «فقه اللغه» خوانده می‌شود. معنا شناسی (Semantics) در روند شکل‌گیری مکاتبی پیدا کرده که هر کدام با روش‌هایی خاص به کاوش معنا می‌پردازند. از مکاتب معناشناسی، غیر از مکتب بُن، به دلیل انتخاب آن توسط ایزوتسو زبان شناس، قرآن پژوه و فیلسوف ژاپنی، بقیه مکاتب تجربه زیادی در معناشناسی قرآنی ندارند. ایزوتسو مبانی زبان شناختی جدیدی را برای فهم قرآن به کار گرفت.

در رابطه با این پژوهش باید گفت: حدود ۲۷ واژه در قرآن وجود دارند که هر کدام به نوعی معرف گناه هستند. این پژوهش بر آنست تا بر اساس رویکرد معناشناختی ایزوتسو، معنایِ مفاهیمِ مربوطِ به گناه را در قرآن بررسی کند. از بین این واژگان ۶ مورد از پربسامدترین آنها «الإثم، الجرم، الجناح، الخطیئه، الذنب، السیئه» جهت واکاوی معنا بر اساس اصول یاد شده برگزیده شده‌اند.

پرسش‌های تحقیق:

الف) هسته معنایی الفاظ مربوط به گناه چیست؟

ب) مؤلفه‌های معناشناختی دخیل در معنایابی مفهوم گناه در قرآن طبق رویکرد ایزوتسو کدام است؟

ج) گستره شبکه معنایی مفهوم گناه در قرآن طبق رویکرد ایزوتسو چگونه است ؟

۲.پیشینه پژوهش

۲,۱کتاب

از کتاب های مرتبط با رساله حاضر کتابی است با عنوان «واژه‌شناسی گناه در قرآن» اثر محمدعلی طاهری‌نژاد که در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسید. این کتاب به بررسی لغوی و تحلیل کاربردی ۲۷ واژه‌ای معنای گناه در قرآن می‌پردازد. مؤلف در این کتاب این واژگان را با مراجعه به منابع بررسی کرده ولی متکی بر روش معناشناسی خاصی نیست.

۲,۲.پایان نامه

از رساله‌های مرتبط با موضوع حاضر «معناشناسی واژگان حوزه گناه در قرآن کریم» به قلم سید مرتضی حسینی امین دانشجوی دانشگاه علوم و معارف قرآن آمل در سال۱۳۹۵ است. در این پژوهش، هشت واژه مربوط به گناه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق به شرح زیر است: چهار واژه «ذنب، اثم، سیئۀ، خطیئۀ» در قرآن در معنای گناه به کار گرفته شدند. اما واژه های «جناح، معصیۀ، وزر» به معنای گناه به کار گرفته نشده‌اند. واژه «حنث» با کمی مسامحه به معنای گناه است. واژه «ذنب» به معنای عام گناه، واژه «اثم» به معنای مقدمه گناهان دیگر، واژه «سیئۀ» به معنای گناهان کوچک و صغیره، واژه «خطیئۀ» به معنای گناهان غیر عمدی است. واژه «جناح» به معنای انحراف از مسیر درست و واژه «معصیۀ» به معنای مطلق نافرمانی به کار رفته است.

رساله دیگر با عنوان «حوزه معناشناسی واژگان گناه در قرآن و شعر جاهلی (پژوهش تطبیقی)» که توسط محمودرضا روشن‌دل از دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۵ به نگارش درآمده است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به شرح معنای واژگان گناه در قرآن پرداخته، ولی متکی به مکتب یا روش خاصی نیست.

رساله «تحلیل معناشناختی واژه «ذنب» و جانشین های آن در قرآن با تاکید بر تفاسیر» در سال ۱۳۹۷ از دانشگاه فردوسی توسط خورشید بهاری نوشته شده است. در این تحقیق حوزه معنایی واژه «ذنب» از منظر لغت شناسان مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه‌ی پژوهش آن است که شناخت درست و دقیق واژگان مربوط به گناه نقش قابل توجهی در فهم آیات قرآن دارد و بی‌توجهی نسبت به تفاوت‌های معنایی هر یک از آنها منجر به تفسیر به رأی می‌گردد.

رساله‌ی دیگر«بررسی معناشناختی ذنب در قرآن کریم» است که در سال ۱۳۸۹ به قلم اعظم اکبری از دانشگاه قم نوشته شده است. در این پژوهش واژه ذنب با دوازده واژه که به لحاظ معنایی با آن قرابت معنایی دارند بررسی شده است. در این پژوهش ابتداء به بررسی معانی واژگان در منابع لغوی و تفسیری پرداخته شده و هر واژه با مشتقات به کار رفته در قرآن بررسی معنایی شده‌است.

۳,۲.مقاله:

از مقالات مرتبط، مقاله «صورت بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی مفهوم «ذنب» است که در سال ۱۳۹۸در مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث توسط مهدی جلالی و فاطمه آگهی منتشر شده‌است. در این مقاله ابتدا به مولفه‌های معنایی ماده «ذنب» در کتب لغت پرداخته شده و سپس مشتقات ریشه «ذنب» در زبان‌های مختلف سامی مورد توجه قرار گرفته‌است و به این نتیجه رسیده که ریشه «ذنب» به معنای دم و نصیب و بهره است. همچنین کاربرد مکرر واژه «ذنب» غالباً در مفاهیمی روی می‌دهد که در آنها سخن از بی‌توجهی به پیمان‌های الهی است.

مقاله دیگری «بررسی واژه های مشترک معنوی مربوط به گناه در قرآن کریم و روایات» توسط حمید جلیلیان و سید ابوالفضل حسینی بناب در سال ۱۳۹۴ در مجله سراج منیر منتشر شده‌است. در این مقاله واژه هایی که معرف معنای گناه هستند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتیجه مقاله این است که شناخت دقیق واژه‌هایی که حامل بار معنایی گناه هستند نقش مهمی در فهم آیات ایفا می‌کند.

مقاله‌ی مرتبط دیگر با موضوع رساله «بررسی مفهوم اثم در قرآن با روش معناشناختی ایزوتسو» است که در سال ۱۳۹۷ توسط ابراهیم حسین آبادی فراهانی و محمد علی فرشته‌خو در کنفرانس ملی علوم اسلامی منتشر شده است. در این مقاله واژه «اثم» بر محور جانشینی و همنشینی و نیز تقابل معنایی مورد بررسی قرار گرفته‌است. نتیجه این که واژه «اثم» پیوند عمیقی با سایر واژه‌های هم حوزه خود در قرآن دارد و همچنین این واژه از کلمات مجاور و نظام معنایی مستقر در آن متأثر است.

وجه تمایز پژوهش ما با پژوهش‌های انجام شده در این است که در این تحقیق تعداد ۶ مورد از پر بسامدترین واژگان مربوط به گناه در قرآن با استفاده از منابع مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در بررسی واژگان گناه در قرآن طبق اصول معناشناختی ایزوتسو عمل شده است.

۳.مباحث نظری

زبان یک مجموعه قراردادی منظم از نشانه یا آواهای کلامی یا نوشتاریست که توسط انسان برای ارتباط و اندیشه به کار گرفته می‌شود. دانش بررسی زبان به سده های پیش برمی‌گردد. در غرب پیشرفت علوم، منجر به کوشش دانشمندان در مطالعه علمی زبان به عنوان یک «نشانه معنایی» شد. این کوشش‌ها به پیدایش رشته‌ای از دانش به نام زبان شناسی انجامید که بنیانگذارآن «دوسوسور» است.

در خاورمیانه، «سیبویه» زبان‌شناس برجسته ایرانی، توصیفی جامع و زبان‌شناسانه از زبان عربی در «الکتاب» ارائه داد. وی در این کتاب نظریه واج شناسی و آواشناسی ویژه‌ای را پدید آورد. (اروجی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۴)

دو سوسور زبانشناس سوئیسی، بنیانگذار زباشناسی نوین و پیشگام زبان‌شناسی ساخت‌گرا بود. سوسور معتقد بود واژه‌هایی که انسان‌ها در زبان‌های خود از آن استفاده می‌کنند معنای ذاتی ندارند، بلکه بر اساس اختیار و قرارداد هستند و معنا از رابطه میان دال و مدلول بدست می‌آید. و هر واژه به تنهایی دارای معنا نیست، بلکه در ارتباط با واژه‌های دیگر معنادار می‌گردد. (همان: ۲۴-۲۱)

۳,۱.معناشناسی:

معناشناسی یکی از شاخه های علم زبان‌شناسی است و این علم هدف تحقیقات واج شناسی، صرف، نحو و فرهنگ‌نویسی است. (السعران، ۱۹۹۲: ۲۶۱) در انگلیسی چندین نام بر معناشناسی اطلاق شده که مشهورترین آن «Semantics» است. در زبان عربی برخی آن را «علم الدلالة» و برخی «علم الـمعنی» نامیده‌اند. (مختار، ۱۹۹۸: ۱۲).

ایزوتسو تحت تأثیر مکتب معناشناسی آلمان با برخورداری از پیشینه‌ای علمی در فلسفه و زبان‌شناسی، به معناشناسی واژه‌های کلیدی قرآن پرداخته و تلاش‌کرده با کشف ارتباط معنایی مفاهیم در یک شبکهٔ معنایی وسیع و گسترده، به نظام هماهنگ قرآنی دست پیدا کند. (شریفی، ۱۳۹۲ : ۶)

۳,۲. اصول معناشناختی ایزوتسو:

ایزوتسو می‌نویسد: «همه آنچه در تصرف ماست عده‌ای از نظریه های مختلف درباره معنا است». (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۳) ایزوتسو هدف خود را در مرحله اول، بیان تصور و اندیشه اش از معناشناسی و در مرحله نهایی توضیح اصول روش‌شناختی در معناشناسی می‌داند. مبانی زبان‌شناختی ایزوتسو در فهم قرآن، ریشه در زبان‌شناسی دوسوسور دارد. (پورافخم،۱۳۹۱، ۳۳)

مهمترین اصول معناشناختی ایزوتسو عبارتند از: الف- اصل هم‌زمانی و درزمانی ب. تمایز معنای اساسی و معنای نسبی ج.جهان بینی معناشناختی د. خاصیت نظام وارگی معنا هـمفاهیم کلیدی و. میدان‌های معنایی.

ایزوتسو در مطالعه هم‌زمانی خود مؤلفه‌هایی را برای رسیدن به معنای واژگان ذکر می‌کند که عبارتند از: ا-توجه به بافت و رابطه همنشینی و جانشینی ب- توجه به واژه متضاد ج- تضاد صوری د-حوزه معنایی.

۴.معناشناسی مفاهیم گناه

۴,۱.الإثـــم:

خلیل بن احمد برای واژه «اثم» معنای گناه و افتادن در گناه را آورده است (العین،۱۴۱۰ق، ماده اثم). برخی واژه «اثم»را به معنای «کُندی و به تأخیر افتادن» می‌دانند. (مقائیس اللغة ،۱۴۰۴ق، و التحقیق ،۱۴۰۳ق، ماده اثم) از نظر ابوهلال اصل واژه «اثم» به معنای کوتاهی کردن است. (عسکری، ۱۴۱۲ق:۱۶)

در لسان العرب «اثم» مترادف با ذنب در نظر گرفته شده و به معنای گناه و انجام دادن هر عملی است که برای شخص حلال نیست. (لسان العرب ،۱۴۱۴ق، ماده اثم)

تاج‌العروس نیز معنای «اثم» را تأخیر در رسیدن به ثواب می‌داند (تاج العروس،۱۴۱۴ق، ماده اثم)

برخی از مفسران در تفسیر آیه (.. **تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ**...) (بقره/۸۵) واژه «الاثم» را اینگونه تعریف نموده‌اند: چیزی که شخص از آن نفرت دارد و دل به آن آرام نمی‌گیرد. (طوسی، بی تا،۱:۳۳۵) زمخشری در مورد «الاثم» گفته: گناهیست که صاحبش به دلیل آن استحقاق عقوبت دارد. (زمخشری،۱۴۰۷ق،۴:۳۷۲) طبرسی نیز در

ذیل آیه(...**تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ**...) (بقره/۸۵) در تفسیر «الاثم» گفته: هر عمل زشتی که درخور سرزنش باشد و نظیر آن «وزر» است. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۱:۲۹۰)

می‌توان نتیجه گرفت که همه لغت‌شناسان واژه «الإثم» را به معنای گناه می‌دانند. در وجه تسمیه و اصل واژه «الإثم» می‌توان گفت: که معنای کندی در آن نهفته است؛ زیرا گناهان باعث کندشدن انسان در رسیدن به خیر می‌شوند. حتی می‌توان گفت: برخی لغت‌شناسان که معانی دیگری برای واژه «الإثم» ذکر کرده‌اند نیز نشأت گرفته از همین معنای کندی در رسیدن به خیر است. لذا مفسران تمام معنایی را که برای واژه الإثم و مشتقات آن برشمرده اند به همان معنای اولیه و اساسی واژه الإثم یعنی تأخُّر و کندی برمی‌گردد، و چون گناه یک واژه کلی است کم‌کم در متون مختلف درباره انواع گناه با کیفیت‌های متفاوت آنها به کار رفته است.

۴,۲. معناشناسی «الاثم» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

این واژه به همراه مشتقات خود مجموعا ۴۸ بار در قرآن آمده است. اکنون معناشناسی واژه مذکور را در قرآن بر اساس روش معناشناسی ایزوتسو پی می‌گیریم.

۴,۳.رابطه همنشینی و جانشینی:

اثم و مشتقات آن با واژگان زیر همنشینی دارد.

- اَفّاک:

(**وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ**) (جاثیه/۷) «اَفّاک» یعنی کذاب و دروغگو و «اثیم» یعنی کسی که در ارتکاب گناهان زیاده روی می‌کند. (زمخشری،۱۴۰۷ هـ ۴:۲۸۵؛ بیضاوی،بی تا، ۵:۱۰۶؛ آلوسی،۱۴۱۵ هـ ۱۳:۱۴۱) برخی گفته‌اند: «اَفّاک» بر وزن «فعّال» است و مراد از «افک» عبارت است از کذب و دروغ، «اَفّاک» به کسی گویند که بسیار دروغ می‌گوید و «اثیم» صاحب اثم را گویند که فرد گناهکار با گناهش استحقاق عقاب پیدا کند. (طبرسی،۱۴۱۵ق، ۹:۱۲۲)

- بغی:

(**فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**) (بقره/۱۷۳)

در این آیه «اثم» با «بغی» همنشین شده است؛ اصل «باغی» یعنی طلب کننده. (طبرسی،۱۴۱۵ق، ۱:۴۷۵)

- بهتان:

(**أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا**)(نساء/۲۰) (**وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا**)(احزاب/۵۸) (**وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا**) (نساء/۱۱۲) در آیات فوق بهتان با واژه «اثم» همنشین شده است. «بهتان» آن است که کار زشتی را به شخصی نسبت دهند که از آن پاک باشد؛ زیرا وقتی آن را می شنود، مبهوت و سرگشته می‌ماند. (زمخشری،۱۴۰۷ هـ ۱:۴۹۱)

- جنف:

(**فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ**) (بقره/۱۸۲)

برخی گفته‌اند: «جنف» انحراف از حق با خطا در وصیت است. (زمخشری،۱۴۰۷ هـ ۱:۲۲۴؛ بیضاوی،بی تا، ۱:۴۶۱) در اینجا با قرینه «اثماً» می‌توان فهمید که مراد از«جنف» انحراف به سوی گناه است. (طباطبایی، بی تا،۱:۴۳۹)

- خَوّان:

(**إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا**) (نساء/۱۰۷) «خوّان»، بر وزن «فعال» است، و این مبالغه دلالت دارد بر زیاده روی در ارتکاب گناهان دارد. (آلوسی،۱۴۱۵ هـ ۳:۱۳۵)

- شرک و افتراء:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا) (نساء/۴۸) «افتری» از «افتراء» به معنای دروغ گفتن و جعل کردن است.

- عدوان:

(وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)(مائده/۲)در اینجا «اثم» معاصی و گناهان است و «عدوان» تجاوز از حدود خدا است. (آندلسی،۱۴۲۰ هـ ۴:۱۷۰)

- کذب:

(انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا) (نساء/۵۰)

- کفر:

(يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) (بقره /۲۷۶)

عبارت «كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» در مقام بزرگ جلوه دادن گناه ربا وارد شده است. (زمخشری،۱۴۰۷ هـ ۱:۳۲۱؛ آندلسی،۱۴۲۰ هـ ۲:۷۱۰)

- معتد:

(مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ) (قلم/۱۲) «مُعْتَد» کسی است که ستم او از حد گذشته است و «أثیم» به معنای بسیار گناهکار است. (زمخشری،۱۴۰۷ هـ ۴:۵۸۶؛ بیضاوی،بی تا، ۵:۳۷۰)

۴،۴.تقابل معنایی

- بِرّ:

در قرآن واژه «برّ» در تقابل معنایی با واژه «اثم» قرار می گیرد، مانند آیه: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ)(مجادله/۹) در آیه فوق واژه «بِرّ» ضد واژه «اثم» و «عدوان» است و آن اعمال نیکی را که در دین به آنها امر شده است دربرمی‌گیرد. (ابن عاشور،۱۹۸۴ هـ ۲۸:۳۴)

۴،۵.حوزه معنایی:

در بیان حوزه‌های معنایی واژه «الاثم» در قرآن باید گفت: این واژه با واژگان افّاک، بغی، بهتان، جنف، خیانت، شرک، افتراء، عدوان، فحشاء، کذب، کفر، معتد و بِرّ، در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند. ایزوتسو تعریفی دقیق از این واژه را تقریباً غیرممکن شمرده است. به اعتقاد او جز بررسی کاربرد این واژه در متن آیات نمی‌توان کاری انجام داد. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۰۲) با بررسی این حوزه معنایی می‌توان به نتایج زیر در مورد کاربرد و معناشناسی واژه «اثم» در قرآن دست یافت:

واژه الاثم در قرآن کاربرد متنوعی دارد و نسبت به دیگر مفاهیم دارای روابط معنایی متنوع‌تر و گسترده‌تری است. اما این واژه در قرآن اغلب به گناهان حقوقی، قضایی و احکام عملی دین نسبت داده شده است. همچنین واژه الاثم دربرگیرنده گناهان قلبی و باطنی مثل نیز هست. مثل قرارگیری آن در حوزه معنایی واژه «کفر». اعمالی که مصداق «بِرّ» باشند در مقابل مصادیق واژه الاثم قرار می‌گیرند. همچنانکه اعمال بِرّ از روی قصد صورت می گیرد، در مقابل نیز اعمال «اثم» نیز از روی قصد و اراده صورت می‌گیرد. مسبوق بودن واژه الاثم در اغلب کاربرد آن، به افعال نهی و تحریم، تائیدی بر این مطلب است.

الجرم:

ابن فارس گوید: «جِرم» به معنای قطع کردن است و هنگامی که درخت خرما رسیده باشد به آن «جِرام» گفته می شود. (مقائیس اللغة،۱۴۰۴ق، ماده جرم) راغب می‌نویسد: «جُرم» از «جَرم» به معنای کندن میوه از درخت است. (مفردات ،۱۴۱۲ق، ماده جرم) مصطفوی گوید: یگانه اصل معنایی این ماده، قطع نمودن و بریدن بر خلاف اقتضای حقّ است. و با حفظ این معنا در موارد مختلفی استعمال می‌شود، از جمله آن معنای «گناه» است، از آن جهت که بزرگترین سبب انقطاع و بریدن از خدای متعال است. (التحقیق ،۱۴۰۳ق، ماده جرم) روح المعانی اصل واژه «الجرم» را همان معنای قطع کردن و کندن میوه از درخت می‌داند سپس «الجرم» را به تحصیل هر امر ناپسندی تعریف می‌نماید (آلوسی،۱۴۱۵ هـ ۳۵۹:۴)

با بررسی های انجام گرفته به این نتیجه رسیدیم که اجماع نظر قطعی بین لغت شناسان و مفسران وجود دارد که أصل و هسته معنایی واژه «الجرم»، «قطع کردن» است؛ چون انسان با ارتکاب گناه از نیکی و واجب الهی منقطع می‌گردد به همین دلیل به گناه «جرم» گفته می‌شود؛ اما سایر معانی که از لغت‌شناسان و مفسران درباره واژه الجرم نقل قول گردید، مثل «ذنب»، «إثم»، «جانی» و... به نظر می‌رسد به دلیل اشتراک معنوی و ترادف نسبی این واژگان با واژه «جرم» باشد وگرنه هیچکدام از واژگان مذکور در اصل و هسته معنایی خود با واژه «جرم» هم معنا نیستند، بلکه هم معنایی وترادف آنها در معنای مصطَلَح آنهاست و این واژگان ترادف نسبی در معنا با هم دارند.

۴،۶.معناشناسی «الجرم» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

این واژه به همراه مشتقات خود ۶۶بار در قرآن به کار رفته‌اند. اکنون معناشناسی واژه مذکور را در قرآن بر اساس روش معناشناسی ایزوتسو بررسی می‌کنیم.

۷،۴.رابطه همنشینی و جانشینی:

جرم با واژگان ذیل در آیات زیر همنشین یا جانشین است:

- استکبار:

(فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ) (اعراف/۱۳۳) «استکبار» یعنی شدت تکبر، همانگونه که حروف سین و تاء به آن دلالت می‌کنند(ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۹: ۷۱)

- اعراض:

(وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ) (سجده/۲۲) در اینجا منظور از «الْمُجْرِمِينَ»، ظالمان هستند. (همان، ۲۳۴:۲۱)

- افتراء:

(فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ) (یونس/۱۷)

- تکذیب:

(هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ) (الرحمن/۴۳)

- ذنب:

(قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي ۚ أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا ۚ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ) (قصص/۷۸)

- سُعر:

(إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ) (قمر/۴۷)

- ضلال:

(وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ) (شعراء/۹۹)

- ظلم:

(وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ) (هود/۱۱۶)

-کفر:

(لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ) (توبه/۶۶)

- مکر:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ)(انعام/ **۱۲۳و۱۲۴**)

۴،۸. تقابل معنایی:

- ایمان(مؤمن):

واژه «مجرم» در قرآن در آیاتی در مقابل واژه«ایمان (مؤمن)» قرار می‌گیرند.

(لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ) (توبه/۶۶)

- مسلم:

در آیه زیر واژه «مسلم» در مقابل واژه «الجرم» قرار گرفته است.

(أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ)(قلم/۳۵)

۹،۴. حوزه معنایی:

استکبار، اعراض، افتراء، تکذیب، ذنب، سعر، ضلال، ظلم، کفر، مکر، ایمان(مؤمن) و مسْلم، از مهمترین واژگانی هستند که در حوزه معنایی واژه الجرم قرار می‌گیرند. با بررسی واژگان مذکور می‌توان به نتایج زیر رسید:

- کاربرد واژه الجرم در قاموس قرآن با کاربرد آن در معنای مصطلح تفاوت دارد. برخلاف کاربرد رایج واژه الجرم در متون فقهی و جزائی، اغلب در مورد گناهان باطنی و قلبی به کار رفته است. همچنین الجرم از جمله گناهانی است که در قرآن مرتکب آن مورد تهدید واقع شده است. ایزوتسو واژه الجرم را مترادف واژه الذنب دانسته و مصداق نهایی آن را «کفر» می‌داند. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۱۰) شاید علت مترادف دانستن واژه الجرم با واژه الذنب این باشد که هر دو واژه علاوه بر رابطه ی همنشینی که دارند، با وعده عقوبت و مجازات نیز همراه هستند. می‌توان گفت: علت اینکه ایزوتسو مصداق نهایی الجرم را کفر می‌داند مربوط به این موضوع باشد که کاربرد این واژه بیشتر در سیاق و بافتی به کار می‌رود که افراد مطرح در آن به شکل تصریحی یا تلویحی کافران هستند. مضاف بر این مطلب، واژگان متقابل الجرم در قرآن واژگانی هستند که در حوزه امور عقیدتی و قلبی‌اند، مثل ایمان و اسلام. و وقتی الجرم در مقابل این واژگان قرار می‌گیرد، اعتقاد به اینکه کفر مصداق الجرم باشد مستحکم‌تر می‌شود.

الجناح:

ابن فارس گوید: واژه «جنح» به سوی چیزی منحرف شدن است، وی علت نامگذاری دو بال پرنده به «جناحین» را به دلیل انحراف آن دو بال به دوطرف می‌داند. ابن فارس در وجه تسمیه گناه به «جُناح» علت آن را انحراف از راه حق می داند. (مقائیس اللغة،۱۴۰۴ق، ماده جنح)

راغب اصفهانی در وجه تسمیه گناه به «جُناح» می‌گوید، به گناه چون که انسان را از حق منحرف و رویگردان می‌کند «جُناح» گفته می‌شود؛ به همین دلیل هر گناهی «جُناح» نامیده شد. مانند آیه قرآن که می‌فرماید: (**لاَجُنَاحَ عَلَيْكُمْ**...) (بقره/۲۳۶) یعنی بر شما گناهی نیست. (مفردات،۱۴۱۲ق، ماده جنح)

ابن منظور «جُناح» را میل به سوی گناه می‌داند که به شکل عموم به گناه گفته شده است. (لسان العرب ،۱۴۱۴ق، ماده جنح) مصطفوی جُناح را به «الإثم» (گناه) معنا نموده به دلیل اینکه گناه منحرف شدن انسان از راه حق است. (التحقیق ،۱۴۰۳ق، ماده جنح) ابن عاشور گوید: «الجُناح» به ضم جیم همان معنای «الإثم» را داراست و از «جَنَحَ» اشتقاق یافته است و به معنای میل و انحراف است؛ زیرا انسان با «إثم» از راه خیر منحرف می‌شود. (ابن عاشور،۱۹۸۴ هـ ۶۱:۲)

۴،۱۰.جمع بندی:

با تحقیق در مورد «الجُناح» این نتیجه حاصل می‌شود که بین همه لغت‌شناسان و مفسران اجماع نظر قطعی وجود دارد که هسته و معنای اساسی واژه «الجُناح» «میل داشتن» است و هر معنای دیگری که واژه الجُناح بر آن اطلاق می‌شود ریشه در همین معنا دارد. مثلا چون گناه، انسان را از حق به سوی باطل منحرف می‌کند، به آن الجُناح گفته می‌شود؛ لذا می‌بینیم برخی لغت‌شناسان و مفسران واژه الجُناح را به «الإثم» معنا می‌کنند و آن دو را مترادف می‌دهند.

۴،۱۱.معناشناسی «الجناح» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

این واژه ۳۴ بار در قرآن به کار رفته‌اند. اکنون به بررسی معنای واژه می‌پردازیم.

رابطه همنشینی و جانشینی:

- اثم:

رابطه جانشینی «اثم» را با «جناح» مربوط به آیات زیر است که در بافت مشابهی به کار رفته‌اند. در این دو آیه به اسلوبی بر می‌خوریم که بر مبنای رابطه جانشینی می‌توان هر دو مفهوم «اثم» و «جناح» را داخل در یک حوزه معنایی دانست.

(**لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ ۚ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ**) (بقره/۱۹۸)«جناح» یعنی گناه دینی و انحراف از راه راست، مقصود این است که در خلال انجام عمل حج، داد و ستد حلال است، چیزی که هست از بیع و داد و ستد تعبیر فرموده به «تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (طباطبایی،بی تا،۷۹:۲)

(**وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ**) (بقره /۲۰۳)یعنی کسی که عمل حج را تمام کرده، گناهانش بخشوده شده است، چه اینکه در آن دو روز تعجیل کند، و چه اینکه تأخیر کند. (همان،۸۲:۲)

- نکاح:

(**وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ**) (**بقره/۲۳۵**) «**وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ**» یعنی هیچ گناهی بر آنان نیست در آنچه به آن راضی شدید از زیادی مهر یا مبرا شدن از آن یا زیاد نامیدن آن. (آلوسی، ۱۴۱۵هـ ۲: ۷)

در ادامه برخی از آیات را که واژه «جناح» در آنها کاربرد دارد و در آیات ماقبل آنها مشتقات مربوط به واژه «نکاح» آمده، ذکر می‌کنیم.

(**وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا**) (نساء/۱۲۸) «**لاجُناحَ عَلَيْهِما أَنْ يُصْلِحا بَيْنَهُما صُلْحاً**» یعنی بر هیچ یک از آن دو، گناهی نیست که میان خود آشتی بر قرار کند. همچنین درآیه: (**وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ**) (نساء/۱۰۱) یعنی هر گاه به سفر رفتید، مانعی از حرج و اثم نیست که چیزی را از نماز کم کنید. (ر.ک.: طباطبایی ،بی تا،۵:۶۱)

۴،۱۲. حوزه معنایی:

با بررسی های صورت‌گرفته در مورد حوزه معنایی واژه «جناح» در قرآن، موارد زیر به دست می‌آید:

واژه الجناح در قرآن در بیشتر در سیاق منفی به کار رفته است. این واژه در قرآن در مورد گناهان مربوط به «احکام تشریعی» به کار می‌رود مثل حقوق خانواده، ایزوتسو می‌گوید: واژه الجناح تقریباً مترادف با واژه «الاثم» است. (ر.ک.: ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۱۲) می‌توان گفت: دلیل نظر ایزوتسو این است که واژه «جناح» به لحاظ معنایی و کاربرد آن در قرآن، قرابت زیادی با واژه الاثم دارد؛ زیرا هر دو واژه بیشتر بر جنبه عملی دین متمرکز هستند و به لحاظ منطقی نوعی رابطه عموم و خصوص بین آنها برقرار است.

الخطیئة(الخطاء):

ابوهلال درباره تفاوت میان «الخَطأ» و «الخَطاء» گوید: «الخَطأ» آن است که اراده انجام کاری را داشته‌باشی ولی کاری غیر از آن را به اشتباه انجام دهی، خطأ فقط برای انجام کار زشت به کار می‌رود، اما اگر همراه با قید باشد برای کار خوب نیز به کار می‌رود و «الخطاء» فقط برای امور ناپسند و زشت است. همچنین ابوهلال در مورد تفاوت «الخطاء» با واژه «الذنب» می‌نویسد: «الذنب» در مورد گناهی به کار برده می‌شود که عامل آن، قصد ارتکاب همان گناه را دارد، اما «الخطاء» در مورد گناهی استعمال می‌شود که قصد و نیّت عامل آن، گناه دیگری است، مانند کسی که به قصد شکارکردن حیوانی تیر پرتاب می‌کند و از روی سهو، انسانی مورد اصابت تیر قرار می‌گیرد. (عسکری، ۱۴۱۲ق:۲۲۱) تفسیر جامع البیان «الْخَطِيئَةُ»را گناه عمدی و غیر عمدی می‌داند. (طبری،۱۴۲۲ق،۹:۱۹۷) زمخشری در تفسیرآیه (**لايَأْكُلُهُ إِلاَّ الْخاطِؤُنَ**)(حاقه/۳۷) به عمدی بودن گناه در معنای واژه «الْخَطِيئَةُ» اشاره می‌کند، (زمخشری،۱۴۰۷ق،۴:۶۰۶) همچنین زمخشری در تفسیر آیه(**وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا**) (نساء/۱۱۲) «الْخَطِيئَةُ» را گناه کوچک و «الْإِثْم» را گناه بزرگ می‌داند (همان،۱:۵۶۴)

۴،۱۳.جمع بندی:

۱. یکی از شاخصه‌های معناشناسی در یافتن هسته معنایی واژه «**الخطیئة/الخطاء**»، ضد صواب بودن و انحراف از آن است و خطا کردن را از باب قیاس گناه نامیده اند؛ زیرا جهت خیر در آن ترک شده است.

۲. مطلب مورد توجه دیگر در مورد واژه «**الخطیئة/الخطاء**» این است که همین ترک خیر و انحراف از راه صواب، می‌تواند جنبه عمدی و غیر عمدی به خود بگیرد؛ زیرا همانطور که از آراء لغت‌شناسان و مفسران بر می‌آید، غالباً به معنای عمدی و غیر عمدی بودن در مورد واژه مذکور اشاره کرده‌اند.

۳. واژه «**الخطیئة/الخطاء**» و مشتقات آن در شعر پیش از اسلام کاربرد کمی داشته است، اما در همین کاربرد اندک خود، معنای کار اشتباه، نامناسب و لغزش را داشته‌است.

۴،۱۴.معناشناسی «الخطیئة(الخطاء)» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

این واژه به همراه مشتقات خود ۲۲بار در قرآن کریم آمده است.

رابطه همنشینی و جانشینی:

در آیات قرآن واژه «الخطیئة» با واژگان زیر همنشینی دارد:

- اثم:

(وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا) (نساء/۱۱۲)

- بهتان:

(وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا) (نساء/۱۱۲)

- جناح:

(وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ) (احزاب/۵)

- ذنب:

(يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ) (یوسف/۲۹)

(قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ) (یوسف/۹۷)

- سیئة:

(بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ) (بقره/۸۱)

- قتل:

(وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا) (اسراء/۳۱)

- کذب:

(نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ) (علق/۱۶)

- نسیان:

(رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا) (بقره/۲۸۶)

۴،۱۵.حوزه معنایی:

واژه «الخطاء» (خطیئة) با واژگان، اثم، بهتان، جناح، ذنب، سیئه، غفران، قتل، کذب، کفر و نسیان در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد که با بررسی آن می‌توان به نتایج ذیل رسید:

واژه الخطاء (خطیئة) در قرآن حوزه گسترده‌ای دارد و دربرگیرنده گناهان بزرگ، کوچک، ظاهری و باطنی است. این واژه همانند ریشه خود، در کاربرد قرآنی نیز معنای عمدی و غیر عمدی بودن را به همراه دارد، اما به نظر می‌رسد سیاق آیات در قرآن بیشتر ناظر بر گناهان عمدی است. همنشینی واژه الخطاء (خطیئة) با غفران، دلالت بر قابل بخشش بودن آن دارد. ایزوتسو با استناد به کاربرد قرآنی این واژه قائل به تقارب معنایی این واژه با واژگان «**الاثم، الذنب، السیئة**» است. او نظر بیضاوی را که معتقد است «الخطیئة» گناه صغیره و «الاثم» گناه کبیره است، به چالش می‌کشد، و با استناد به آیه **(مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا) (نوح/۲۵)** معنای خطیئة را دربردارنده زشت‌ترین گناهان نیز می‌داند. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۰۷) از واژگان مورد بحث، الاثم، السیئه، الذنب و الجناح از مهمترین همنشین‌های واژه الخطاء (خطیئة) هستند که این امر، مؤیّدِ ترادفِ نسبیِ آنهاست.

الذنب:

ابن فارس برای «الذنب» سه اصل بیان کرده است: نخست: جرم، دیگری انتهاء و پایان یک شیء و سوم بهره و نصیب. به اسبی که دُم طولانی دارد «ذَنُوب» گفته می‌شود و به عقب هر چیزی «ذِناب» می‌گویند و به شخص پیروی کننده «ذانب» گفته می‌شود. پس می‌توان گفت: علت نامیده شدن گناه به «الذنب» آن است که عاقبت و سرانجام گناه مانند دُم حیوان است که به دنبال فرد می‌آید. (مقائیس اللغة ،۱۴۰۴ق، ماده ذنب) همچنین واژه «الذنب» به طور

استعاره در هر کاری که عاقبت آن ناگوار بوده به کاررفته است؛ لذا به هرکاری که عاقبتش بد و ناگوار باشد «الذنب»گفته می شود؛ زیرا که جزای آن مانند دم حیوان به دنبال شخص می‌آید.(ر.ک.: همان،۳۳۱)آلوسی گوید: اصل واژه «الذنب» به معنای پیرو و دنباله رو است، سپس بر تمام گناهان اطلاق شده است؛ زیرا که عقاب گناه، انجام دهنده گناه را دنبال می کند.(آلوسی،۱۴۱۵ هـ ۹۱:۲)

۴،۱۶.جمع بندی:

آنچه در مورد معنای اساسی و هسته معنایی واژه الذنب نمایان است، همان معنای دنباله و عقب چیزی است و همه‌ی مشتقات واژه الذنب هر کدام به نوعی ریشه در همین هسته معنایی دارد، و به تدریج از همین ریشه توسعه یافته‌اند. مثلا نظریه اجتهادی ابوهلال درباره وجه تسمیه واژه دلو به ذنب گواه بر این مدعا می‌تواند باشد. بنابراین گناه را از آن جهت الذنب نامیده‌اند که عواقب آن گریبانگیر شخص می‌شود و معانی دیگر ذکر شده برای اصل این واژه نظیر«التلو»، «التابع» و... برگرفته از همان معنای «دنباله و عقب» است.

۴،۱۷.معناشناسی «الذنب» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

این واژه و مشتقات آن ۳۹ مورد در قرآن کاربرد دارد.

رابطه همنشینی و جانشینی:

در آیات قرآن واژه «الذنب» با واژگان زیر همنشینی دارد:

–استکبار:

(فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ * فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ) (عنکبوت/۳۹و۴۰)

– تکذیب:

(فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا) (شمس/۱۴)

– جرم:

(وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ) (قصص/۷۸)

– خطیئة:

(يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۚ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ) (یوسف/۲۹)

– سیئة:

(رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ) (آل عمران/۱۹۳)

– ظلم:

(فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ) (ذاریات/۵۹)

– فحشاء:

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ) (آل عمران/۱۳۵)

– فسق:

(فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ) (مائدة/۴۹)

– کفر:

(فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ*ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا) (غافر/۲۱و۲۲)

۴،۱۸.حوزه معنایی:

واژه «الذنب» با واژگان، استکبار، تکذیب، جرم، خطیئه، سیئه، ظلم، غفران، فحشاء، فسق و کفر در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند و باتوجه به کاربرد این واژه در قرآن و حوزه معنایی آن می‌توان گفت: واژه الذنب اطلاق گسترده‌ای دارد و دربرگیرنده گناهان ظاهری و باطنی است. مسلّم است که واژه الذنب دارای عواقب دامنگیر است و شخص با ارتکاب آنها مستحق عذاب الهی است.

ایزوتسو معتقد است واژه الذنب اغلب در مورد گناهان شرورانه به کار می‌رود. ایزوتسو «کفر» را یکی از مصادیق الذنب می‌شمارد. و ارتباط نزدیک و بیشتر این دو را از اینجا معلوم می‌کند که جزای هر دو در قرآن آتش جهنم است. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۰۱و۵۰۲) همچنین ایزوتسو واژه الذنب و واژه «الخطیئة» را در آیه (**يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ**) (یوسف/۲۹) مترادف می‌داند. (ر.ک: همان،۵۰۰)

السّوء(السّیئة):

ابن فارس گوید: «سین ، واو و همزه» معنای زشتی و قبح را می‌رساند، و آتش را در آیه (**ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءَى**)(روم/۱۰) از آن جهت «سُوأی» می‌خوانند که سیمای آن زشت است. (مقائیس اللغة ،۱۴۰۴ق، ماده سوء)

زمخشری در تفاوت دو واژه «اَلسّوء» و «الْفَحْشاء» می‌نویسد: «اَلسّوء» آن است که کیفر آن حدّ نیست؛ اما «الْفَحْشاء» کیفرش دارای حدّ است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق ،۱:۲۱۳)

۴،۱۹.جمع بندی:

با بررسیهای صورت گرفته می‌توان گفت: واژه «اَلسّیئة/ اَلسّوء» بیشتر بر روی معنای «قبح، زشتی و بدی» به معنای عام متمرکز است. و این قبح و زشتی و بدی می‌تواند دربرگیرنده تمامی بلاها و اعمال زشتی باشد که انسان از آن بیزار است. اگر این واژه در مورد گناه نیز به کار می‌رود از آن جهت است که زشتی و قبح در گناه قرار گرفته است.

۴،۲۰.معناشناسی «السّوء(السّیئة)» بر اساس مؤلفه های معناشناختی ایزوتسو:

واژه «السیئه» (السّوء) از واژگان پربسامد قرآنی است که با مشتقات آن ۱۶۷بار در قرآن آمده است.

رابطه همنشینی و جانشینی:

همنشینی واژه «السیئة» یا (السّوء) با واژگان:

– اثم:

(وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا*وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ) (نساء/۱۱۰و۱۱۱)

–الْفَحْشَاءِ :

(إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (بقره/۱۶۹)

– بغی:

(يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا) (مریم/۲۸)

– خطیئه:

(مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا) (نوح/۲۵)

– ذنب:

(رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ) (آل عمران/۱۹۳)

– مکر:

وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ) (فاطر/۴۳)

۴,۲۱. تقابل معنایی:

- حسنهٔ:

راغب درباره «حسن» گوید: عبارت است از هر اثر بهجت‌آفرین و شادی‌بخش که مورد آرزو باشد، نیز«الحَسَنَه» به نعمتی که انسان در جان و تن و حالات انسانی خویش آنرا در می‌یابد و از آن مسرور می‌شود تعبیر شده است و«السیّئه» ضدّ آن است، این دو لفظ از واژه های مشترک هستند. (مفردات ،۱۴۱۲ق، ماده حسن)

در آیات زیر«الحَسَنَه» در مقابل«السیّئه» قرار می‌گیرد.

(مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۖ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (قصص/۲۸)

(يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ) (آل عمران/۳۰)

در مفردات راغب درباره ریشه «صالح» از «صلح»، آمده: نقطه مقابل فساد و تباهی است و بیشتر کاربردشان در افعال و کارهاست. در قرآن واژه صلاح گاهی در مقابل فساد و زمانی در مقابل زشتی و بدی آمده است. (مفردات ،۱۴۱۲ق، ماده صلح)

۴,۲۱.حوزه معنایی:

واژه اَلسّیئهٔ (اَلسّوء) و مشتقات آن در قرآن با واژگانِ اثم، اجتراح، امر، بغی، تکفیر، خطیئه، ذنب، ظلم، عمل، فحشاء، کید، مکر، منکر، حسنه، خیر و صالح، در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند لذا می‌توان گفت:

- اَلسّیئهٔ (اَلسّوء) در قرآن گناهان ظاهری یا باطنی هستند که انسان تحت تأثیر عوامل گوناگونی مرتکب می‌شود بر این اساس واژه اَلسّیئهٔ (اَلسّوء) تمامی گناهان را دربرمی‌گیرد. نکته قابل توجه این که کیفر اعمال اَلسّیئهٔ (اَلسّوء) کمتر از پاداش اعمال نیک و صالح است. از نظر ایزوتسو این که اَلسّیئهٔ فقط مربوط به گناهان صغیره باشد، رد می شود؛ زیرا دست کم برخی از گناهان کبیره در قرآن در ارتباط با واژه السیئه آمده است، مثلا در سوره اسراء بعد از شمردن تعدادی از گناهان مثل کشتن فرزندان از بیم تهیدستی، زنا، قتل نفس بدون دلیل، خوردن مال یتیمان، تقلب درتجارت و تکبر آمده است. (**كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا**) (اسراء/۳۸) قرار گرفتن واژگان «**الاثم، الخطیئة والذنب**» در حوزه معنایی واژه اَلسّیئهٔ، نشان دهنده ترادف نسبی و اشتراک معنوی آنهاست. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ :۵۰۱)

۴,۲۲.جمع بندی نتایج و بررسی گسترهٔ شبکه معنایی مفاهیم گناه در قرآن

به عقیده ایزوتسو واژه‌های به کار رفته در قرآن، تازه وضع شده نبودند؛ تقریباً همه آنها پیش از اسلام رواج داشتند؛ ولی قرآن آنها را در یک شبکه تصوری تازه ناشناخته جای داد و همین نظم تازه بخشیدن به تصورات و مفاهیم بود که انقلابی در نگرش و دریافت عرب پدید آورد.

این نظر ایزوتسو نزدیک به نظریه نظم عبدالقاهر است که می‌گوید: اعجاز قرآن مربوط به مفردات قرآن، معانی آنها، ترکیب حرکات و سکنات کلمات و فواصل آیات نیست بلکه اعجاز قرآن در نظم و تألیف آیات است و نظم یعنی منظور کردن مقاصد نحوی و احکام نحوی بین کلمات. (جرجانی، ۱۳۶۸، ۴۶۵و۴۶۶)

در مورد واژگان گناه باید گفت: هر کدام از این واژگان ریشه در امور طبیعی و محسوس دارند و سپس از معنای اولیه خود به معنای غیر محسوس و انتزاعی توسعه یافته‌اند. مثلا ذکر«ناقهٔ آثمهٔ» (شتر کندرو) در معنای «الاثم»، «جرم النخل» (نخل را برید) در معنای «الجرم»، «جناحان» (بالهای پرنده) در معنای «الجناح»، «أرض یخطئها المطر» (زمینی که باران بر آن نمی‌بارد) در معنای «الخطیئهٔ/ الخطاء»، «ذنب الدابهٔ» (دم حیوان) در معنای «الذنب»، نشانگر

این است که این واژگان در ابتدا ریشه در امور طبیعی داشتند و کاربردشان در امور محسوس بود، سپس در معانی انتزاعی به کار رفته و گسترش یافته‌اند.

همانطور که معنای اساسی واژگان گناه در وضع اولیه، معانی متفاوتی نسبت به همدیگر داشتند، معنای نسبی این واژگان نیز در قاموس قرآن به صورت مطلق برابر نیستند و تفاوت و تقارب معنایی نسبت به همدیگر دارند. که بدین شرحند: واژه «الاثم» در قرآن به گناهان عمدی با اغلب کاربرد در موارد حقوقی، قضایی و احکام عملی دین کاربرد دارد و در مواردی نیز به گناهان قلبی و باطنی اطلاق گردیده است. واژه «الجرم» اغلب کاربرد آن برخلاف کاربرد فقهی و حقوقی که دارد، به گناهان قلبی و باطنی اطلاق می‌شود به نحوی که عقاید و اخلاق انحرافی را شامل می‌شود. همانند: تکذیب، استکبار و...

واژه «الجناح» اغلب در سیاق منفی کاربرد دارد و در حوزه گناهان مربوط به احکام تشریعی بوده است، مثل حقوق خانواده. واژه «الخطیئة»(الخطاء) حوزه کاربردی گسترده‌ای دارد و دربرگیرنده گناهان بزرگ و کوچک است. واژه «الذنب» در قرآن بیشتر به معنای گناهان شرورانه کاربرد دارد و دربرگیرنده همه گناهان می‌شود. واژه «السیئة» (السوء) گناهان ظاهری، باطنی، کوچک و بزرگ هستند که انسان در حق خود یا دیگران تحت تأثیر عواملی نظیر نادانی وسوسه‌های شیطان و نفس اماره مرتکب می‌شود. با دقت در معنای نسبی واژگان مربوط به گناه می توان گفت: واژه «الاثم» نسبت به سایر واژگان مربوط به گناه بیشترین تقارب معنایی با واژه «الجناح» دارد؛ زیرا هر دو بر جنبه عملی دین متمرکز هستند.

نتیجه گیری

۱- در مورد معنای اساسی واژگان مربوط به گناه باید گفت: این واژگان در ابتدا ریشه در امور طبیعی داشتند و سپس در معانی انتزاعی گسترش یافته اند و هیچ کدام از واژگان مربوط به گناه از ابتدا، بر گناه اطلاق نشده‌اند.

۲-معنای اساسی واژه «الإثم»، کندی و تأخّر است، معنای اساسی واژه «الجرم»، «قطع کردن» است. هسته و معنای اساسی واژه «الجُناح» به معنای «میل داشتن» است. معنای اساسی واژه «الخطیئة (الخطاء)» ضد صواب بودن و انحراف از آن است. معنای اساسی واژه «الذنب» «دنباله و عقب چیزی» است. معنای اساسی واژه «السّیئة(السّوء)» «قبح ، زشتی» است.

۳-در مورد معنای نسبی واژگان مربوط به گناه در قرآن باید گفت: واژگان و مفاهیم مربوط به گناه همانگونه که در معنای اساسی خود به صورت مطلق مترادف نیستند، در معنای نسبی خود در قرآن نیز به صورت مطلق مترادف نیستند و تفاوت و تقارب معنایی نسبت به همدیگر دارند.

۴-معنای هر کدام از مفاهیم مربوط به گناه در قرآن طبق رویکرد ایزوتسو و مؤلفه‌های معناشناختی او ناظر بر مصادیق خاصی از گناهان است.

۵-واژگان قرآن جدید و تازه وضع شده نبودند تقریباً همه آنها به صورت دیگر پیش از اسلام رواج داشتند.

۶- ایزوتسو قائل به ترادف تام بین کلمات نیست، ولی به شبه ترادف میان برخی از کلمات معتقد است.

کتابنامه

کتب

*** قرآن کریم**.

[۱] آلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله،(۱۴۱۵هـ ق) (**روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**)، المحقق: علی عبد الباری عطیهٔ، الطبعهٔ الأولی، دار الکتب العلمیهٔ لبنان.

[۲] ابن عاشور التونسی، محمد الطاهر، (۱۹۸۴م) (**تحریر المعنی السدید وتنویر العقل الجدید من تفسیر الکتاب المجید**)، الدار التونسیهٔ للنشر.

[۳] ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین،(۱۴۱۴هـ ق) (**لسان العرب**)، دارالفکر للطباعهٔ و النشر و التوزیع-دار صادر، لبنان.

[۴] ابن فارس احمدبن زکریا،(۱۴۰۴هـ ق)(**معجم مقائیس اللغهٔ**)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، قم.

[۵] ابوهلال العسکری، الحسن بن عبدالله،(۱۴۱۲هـ ق) (**معجم الفروق اللغویهٔ**) مؤسسهٔ النشر الإسلامی التابعهٔ لجماعهٔ المدرسین، چاپ اول، قم.

[۶] اروجی، محمدرضا، رحمانی، جواد، (۱۳۹۵) (**مکاتب زبان شناسی**) انتشارات گیوا، چاپ اول، تهران.

[۷] انیس، ابراهیم، (۱۹۷۶) (دلالهٔ الالفاظ) ، **مکتبهٔ الأنجلو المصریهٔ**، الطبعهٔ الثالثهٔ، قاهره- مصر.

[۸] ایزوتسو، توشیهیکو،(۱۳۹۹) (**خدا و انسان در قرآن**) ترجمهٔ احمد آرام، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم، تهران.

[۹] ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۹۸) (**مفاهیم اخلاقی – دینی در قرآن مجید**) ترجمه بدره ای، نشر فروزان روز، چاپ چهارم، تهران.

[۱۰] بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، (بی تا) (**انوار التنزیل واسرار التاویل**)، دار الفکر، بیروت-لبنان.

[۱۱] جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۶۸) (**دلائل الإعجاز فی القرآن**) مترجم: رادمنش، مؤسسه آستان قدس رضوی، مشهد – ایران.

[۱۲] جوهری، اسماعیل بن حماد،(۱۴۰۷هـ ق) (**الصحاح تاج اللغهٔ و صحاح العربیهٔ**)، بیروت- دار العلم للملایین، اول، لبنان.

[۱۳] زمخشری، محمود بن عمر،(۱۴۰۷هـ ق) (**الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**)، دار الکتاب العربی، الطبعهٔ الثالثهٔ، بیروت.

[۱۴] السعران، محمود، (۱۹۹۲م) (**علم اللغهٔ مقدمهٔ للقارئ العربی**) دارالفکر العربی، الطبعهٔ الثانیهٔ، قاهره- مصر.

[۱۵] طاهر نژاد، محمد علی،(۱۳۸۳) (**واژه‌شناسی گناه در قرآن**) انتشارات علم نوین، چاپ اول، تهران.

[۱۶] طباطبایی، سید محمد حسین،(بی تا) (**المیزان فی تفسیر القرآن**)، قم- ایران، منشورات اسماعیلیان.

[۱۷] طبرسی، فضل بن حسن،(۱۴۱۵هـ ق) (**مجمع البیان فی تفسیر القرآن**)، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، بیروت-لبنان.

[۱۸] طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۲هـ ق) (**جامع البیان فی تفسیر القرآن**)، تحقیق: عبد المحسن الترکی، دار هجر للطباعهٔ، الطبعهٔ الأولی، قاهره –مصر.

[۱۹] طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)(**التبیان فی تفسیر القرآن**)، احیاء التراث العربی، بیروت.

[۲۰] فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰هـ ق) (**کتاب العین**)، نشر هجرت، دوم، قم- ایران.

[۲۱] فیروز آبادی، مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب،(۱۴۲۶هـ ق) (**القاموس المحیط**) مؤسسهٔ الرسالهٔ للطباعهٔ والنشر، الطبعهٔ الثامنهٔ، بیروت-لبنان.

[۲۲] مختار عمر، احمد،(۱۴۱۵هـ ق) (**علم الدلالهٔ**) عالم الکتب، الطبعهٔ الخامسهٔ، قاهره- مصر.

[۲۳] مصطفوی، حسن،(۱۴۰۲هـ ق) (**التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**)، مرکز الکتاب للترجمهٔ و النشر، چاپ اول،تهران- ایران.

[۲۴] واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی،(۱۴۱۴هـ ق) (**تاج العروس من جواهر القاموس**)، دارالفکر للطباعهٔ و النشر و التوزیع، اول، بیروت-لبنان.

پایان نامه:

[۲۵] روشن دل، محمودرضا، (۱۳۹۵هـ ش) (**الحقل الدلالی لمفهوم الذنب المعجمی فی القرآن و الشعر الجاهلی**)، جامعۀ العلامَۀ الطباطبایی، تهران.

مقالات:

[۲۶] پورافخم، مریم، عباسی، مهرداد، (**بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان**) پژوهش های اعتقادی کلامی ، دوره: دوم، شماره: ۵، (۱۳۹۱)، ۹۲-۵۹.

[۲۷] شریفی، علی، (**نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزۀ معناشناسی قرآن کریم**) حکمت معاصر، دوره: چهارم، شماره: ۳، (۱۳۹۲)، ۱۰۱ -۸۱.